

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه یزد
دانشکده علوم انسانی
گروه علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
علوم سیاسی

عنوان:

بازخوانی قدرت بسیج سیاسی روحانیت در دوران
پس از انقلاب اسلامی ایران

استاد راهنما: دکتر محمد عابدی اردکانی

استاد مشاور: دکتر اکبر غفوری

پژوهش و نگارش: نجمه السادات حسینی

بهمن ماه ۹۰

تقدیم به:

پدر و مادرم، آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و دعای خیرشان بدرقه راهم بوده و خواهد بود و تقدیم به همسر فداکارم، که دست در دستم نهاده تا همسفری جاودانی در میان امواج پر تلاطم زندگی برایم باشد.

تقدیر و تشکر

قبل از هر چیز، خداوند سبحان را به خاطر نعمت های بی شمارش شکر می گویم و با توجه به این حدیث که «کسی که از مخلوق تشکر نکند، شکر خالق را به جای نیاورده است» بر خود لازم می دانم از زحمات اساتید گرامی، دکتر محمد عابدی اردکانی که راهنمایی پایان نامه اینجانب را به عهده داشتند، همچنین از دکتر اکبر غفوری، استاد محترم مشاور که آرای سودمندی را ارائه نمودند و اساتید محترم هیأت داوران، دکتر امیر روشن و دکتر سید محسن سعیدی مدنی که زحمت مطالعه و نقد این اثر را متقبل شدند، تشکر و قدردانی می نمایم.

چکیده

روحانیت شیعه در ساختار اجتماعی ایران از دوره صفویه به این سو از بیشترین توان برای به جنبش درآوردن و بسیج سیاسی توده ها برخوردار بوده است. روشنفکران، احزاب و سازمان های دیگر، هرگز بطور کامل و مطلوب نتوانستند توده های مردم را با خود همراه کنند و آنان را در جهت اهداف خود، بسیج نمایند. با وجود این، به نظر می رسد که پس از انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، این توان روحانیت، نسبت به گذشته، کاهش یافته است. با این حساب، سؤال اساسی تحقیق این است که: "آیا نهاد روحانیت در ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی و در نظام جمهوری اسلامی، همچنان از قدرت بسیج سیاسی توده ها برخوردار است؟ جهت پاسخ به سوال مذکور، تحقیق حاضر در چهار فصل تدوین شده است؛ فصل اول با عنوان کلیات تحقیق؛ ضمن طرح مسئله و بیان فرضیات و پیشینه تحقیق، اهداف و روش تحقیق را مشخص نموده است. فصل دوم با عنوان مبانی نظری؛ پس از تعریف بسیج به معنای عام، براساس نظریه بسیج منابع تیلی، بسیج سیاسی را تعریف و با استفاده از همین نظریه، عناصری که بر میزان و سطح بسیج سیاسی یک گروه تأثیر می گذارند را تشریح می نماید. هرچند در ادامه این فصل، ارکان، زمینه و شرایط بسیج سیاسی، تدوین شده است اما هدف از بیان آن ها، استحکام بحث نظری پژوهش حاضر می باشد و چارچوب تحقیق، بر اساس تعریف بسیج سیاسی و عناصر بسیج سیاسی بر طبق مدل بسیج تیلی، پی ریزی شده است. فصل سوم با عنوان روحانیت و عوامل مؤثر در بسیج سیاسی توده ای در ایران، بر اساس چهارچوب مذکور، منابع قدرت بسیج سیاسی روحانیت و عناصر تعیین کننده این قدرت را در طول تاریخ معاصر ایران تا انقلاب اسلامی، مورد بررسی و تبیین قرار می دهد. سرانجام، در فصل چهارم با عنوان بازخوانی قدرت بسیج سیاسی روحانیت در ایران پس از انقلاب اسلامی، منابع قدرت روحانیت _ که در طول تاریخ ایران از طریق آن ها قادر به بسیج سیاسی مردم بوده است _ و عناصر تعیین کننده این قدرت، در دوره پس از انقلاب اسلامی، مورد بازخوانی یا به عبارت دیگر بررسی مجدد قرار می گیرد.

کلید واژه: روحانیت، مردم، قدرت بسیج سیاسی، منزلت، محبوبیت، انقلاب اسلامی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱- طرح و بیان مسئله ----- ۲
- ۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق ----- ۳
- ۱-۳- ساختن مدل تحلیلی ----- ۴
- ۱-۳-۱- فرضیات تحقیق ----- ۴
- ۱-۳-۲- تعریف عملیاتی مفاهیم ----- ۴
- ۱-۳-۳- نهاد روحانیت ----- ۴
- ۱-۳-۴- قدرت بسیج سیاسی ----- ۵
- ۱-۴- اهداف تحقیق ----- ۵
- ۱-۵- پیشینه تحقیق ----- ۶
- ۱-۶- روش تحقیق و روش جمع آوری داده ها ----- ۱۵

فصل دوم: مبانی نظری

- ۱-۲- مقدمه ----- ۱۷
- ۲-۲- بسیج و بسیج سیاسی ----- ۱۷
- ۳-۲- عناصر تعیین کننده سطح بسیج سیاسی ----- ۲۲
- ۱-۳-۲- منافع ----- ۲۲
- ۲-۳-۲- سازمان ----- ۲۴
- ۳-۳-۲- قدرت ----- ۲۴
- ۴-۳-۲- فرصت/تهدید ----- ۲۶
- ۵-۳-۲- سرکوب ----- ۲۷

۲۹	-----	۴-۲- ارکان بسیج سیاسی
۲۹	-----	۴-۲-۱- ایدئولوژی
۳۳	-----	۴-۲-۲- رهبری
۳۷	-----	۴-۲-۳- توده مردم (جمعیت)
۳۷	-----	۴-۲-۴- تشکل و سازمان
۳۸	-----	۵-۲- انواع بسیج سیاسی
۴۱	-----	۶-۲- زمینه ها و شرایط بسیج سیاسی
۴۱	-----	۶-۲-۱- نظریه های کلاسیک
۴۱	-----	۶-۲-۱-۱- مارکس: از تضاد طبقاتی تا بسیج سیاسی
۴۲	-----	۶-۲-۱-۲- دورکهایم: از واگرایی تا بسیج سیاسی
۴۳	-----	۶-۲-۱-۳- پاره تو: از فریب توده ها تا بسیج سیاسی
۴۴	-----	۶-۲-۱-۴- وبر: از کاریزماتابسیج سیاسی
۴۵	-----	۶-۲-۲- نظریه های نئوکلاسیک
۴۵	-----	۶-۲-۱- رهیافت جامعه توده ای
۴۷	-----	۶-۲-۲- رهیافت رفتار جمعی
۴۸	-----	۶-۲-۳- رهیافت روان شناختی
۵۰	-----	۶-۲-۳- نظریه های جدید
۵۲	-----	۷-۲- نتیجه گیری

فصل سوم: روحانیت و عوامل موثر در بسیج سیاسی توده ای در ایران

۵۵	-----	۳-۱- مقدمه
۵۶	-----	۳-۲- موقعیت سیاسی
۵۶	-----	۳-۱-۲- مناسبات روحانیت و دولت در دوران ایران باستان
۵۷	-----	۳-۲-۲- مناسبات روحانیت و دولت در عصر صفوی

- ۳-۲-۳- مناسبات روحانیت و دولت در دوران فترت صفویان ----- ۶۰
- ۳-۲-۴- مناسبات روحانیت و دولت در عصر قاجاریه ----- ۶۰
- ۳-۲-۵- مناسبات روحانیت و دولت در عصر پهلوی اول ----- ۶۷
- ۳-۲-۶- مناسبات روحانیت و دولت در عصر پهلوی دوم ----- ۷۰
- ۳-۳-۳- موقعیت اجتماعی روحانیت ----- ۷۴
- ۳-۳-۱- موقعیت مرجع تقلید (مرجعیت دینی) ----- ۷۴
- ۳-۳-۲- موقعیت مرجع تقلید اعلی ----- ۷۸
- ۳-۳-۳- سیستم قضایی ----- ۷۹
- ۳-۳-۴- سیستم آموزشی (نظام تعلیم و تربیت) ----- ۸۱
- ۳-۳-۵- اوقاف ----- ۸۲
- ۳-۳-۴- موقعیت اقتصادی (استقلال مالی از دولت) روحانیت ----- ۸۴
- ۳-۳-۵- ابزارهای ارتباطی روحانیت با مردم؛ مساجد و مراکز مذهبی ----- ۹۱
- ۳-۳-۶- ایدئولوژی تشیع، امکانات و ظرفیتهای آن؛ فرصتی برای بسیج سیاسی روحانیت - ۱۰۲
- ۳-۳-۷- نتیجه گیری ----- ۱۱۲

فصل چهارم: بازخوانی قدرت بسیج سیاسی روحانیت در ایران پس از انقلاب اسلامی

- ۴-۱-۱- مقدمه ----- ۱۱۶
- ۴-۲-۲- موقعیت سیاسی روحانیت ----- ۱۱۶
- ۴-۱-۲- هدایت و نظارت ----- ۱۱۷
- ۴-۲-۲- به دستگیری موقت ارکان حکومت ----- ۱۲۰
- ۴-۳-۲- ایفای نقش اصلی در به دستگیری ارکان اصلی حکومت ----- ۱۲۱
- ۴-۳-۳- موقعیت اجتماعی روحانیت ----- ۱۲۵
- ۴-۱-۳- حضور پررنگ و فعال در مشاغل سنتی یا صنفی ----- ۱۲۶
- ۴-۲-۲- حضور روحانیت در برخی از مناصب اجتماعی جدا از مناصب سنتی او ----- ۱۲۹

- ۳-۳-۴- اوضاع معیشت و زندگی روحانیت (خروج از زی طلبگی) ----- ۱۳۴
- ۳-۳-۴-۱- شاخصه های زی طلبگی ----- ۱۳۵
- ۳-۳-۴-۲- حدود و شأن روحانیت از نگاه امام خمینی ----- ۱۳۷
- ۳-۳-۴-۳- تبعات عدم توجه به زی طلبگی ----- ۱۳۹
- ۴-۳-۴-۴- موقعیت مرجعیت دینی ----- ۱۴۱
- ۴-۴-۴- موقعیت اقتصادی روحانیت ----- ۱۴۶
- ۵-۴-۵- ابزارهای ارتباطی روحانیت بامردم ----- ۱۵۳
- ۵-۴-۱- ابزارهای ارتباطی سنتی ----- ۱۵۵
- ۵-۴-۲- رسانه های ملی و مدرن ----- ۱۶۱
- ۵-۴-۳- ابزارهای تبلیغاتی دشمنان انقلاب اسلامی علیه روحانیت ----- ۱۶۴
- ۵-۴-۱- رادیوهای فارسی زبان ----- ۱۶۶
- ۵-۴-۲- شبکه های تلویزیونی ماهواره ای ----- ۱۶۸
- ۵-۴-۳- سایتهای اینترنتی فارسی ----- ۱۶۹
- ۵-۴-۴- مطبوعات و خبرگزاری ها ----- ۱۶۹
- ۶-۴-۶- تغییر گروه مرجع؛ تهدیدی برای قدرت بسیج سیاسی روحانیت ----- ۱۷۱
- ۷-۴-۷- ایدئولوژی شیعه، امکانات و ظرفیتهای آن؛ فرصتی برای قدرت بسیج سیاسی روحانیت ۱۷۶
- ۸-۴-۸- نتیجه گیری ----- ۱۸۲
- سخن آخر ----- ۱۸۶
- منابع و مآخذ ----- ۱۹۰

فصل اول: کلیات تحقیق

اصولا در تاریخ ایران روحانیت به عنوان گروه مرجع سنتی، در مقایسه با بقیه گروه ها، از قدرت سازماندهی و بسیج بالایی برخوردار بوده است. این قشر، در طی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، به ویژه در تاریخ معاصر ایران، در قالب رهبران فکری- ایدئولوژیک یا رهبران سیاسی- اجتماعی ظاهر شده است. برای مثال در جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه و قیام ملی شدن نفت و... روحانیون نه تنها حضور جدی و مؤثر داشته، بلکه قدرت بسیج، سازماندهی و رهبری خود را نیز نشان داده اند. البته، فعالیت ها یا موضع گیری های برخی از روحانیون نسبت به وقایع و حوادث تاریخی ایران از فراز و نشیب های فراوانی برخوردار بوده است. لیکن در مجموع روحانیون به گسترش مبانی انقلابی و افکار پیشروانه کمک زیادی کرده اند.

شاید نقطه عطف نقش و جایگاه ممتاز روحانیت در بسیج سیاسی توده ها، انقلاب اسلامی ایران است. انقلابی که در آن روشنفکران، سازمان ها و احزاب دیگر مانند روحانیون نتوانستند توده های مردم را با خود همراه کنند و آنان را در جهت اهداف خود بسیج نمایند. در مقابل روحانیت به عنوان نیروی اصلی بسیج توده ای، توانست شور مذهبی را در مبارزه سیاسی بکار گیرد.

بدین ترتیب، از میان تمام نخبگان و روشنفکران سیاسی و فرهنگی، قشر روحانیت شیعه، به عنوان تنها گروه نخبه، توانسته است مردم را در راستای ایدئولوژی خود بسیج نماید؛ زیرا روحانیون در ایران همواره منابعی را در اختیار داشته اند که از طریق آنها امکان بسیج و به حرکت در آوردن مردم در جهت اهدافشان را برای آن ها فراهم کرده است. "موقعیت سیاسی" (استقلال سیاسی وعدم وابستگی به نظام سیاسی)، "موقعیت اجتماعی" (نفوذ وسیع مردمی و معنوی در میان جامعه)، "موقعیت اقتصادی" (استقلال مالی از دولت)، "تسلط بر مساجد و مراکز مذهبی" و در نهایت در اختیار داشتن "ایدئولوژی شیعه"، به عنوان نظام اعتقادی مردم شیعی ایران، از جمله مهمترین منابع روحانیت برای بسیج سیاسی توده ها بوده است. اما سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که: "آیا در دوره پس از انقلاب اسلامی، باز هم قدرت بسیج سیاسی توده ها توسط این قشر حفظ شده و استمرار یافته است؟" پاسخ به این پرسش، نیازمند آن است تا منابع قدرتی که

روحانیت به وسیله آن‌ها، موفق به بسیج سیاسی مردم در نظام جمهوری اسلامی گردیده است، مورد بازخوانی قرار بگیرد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

روحانیت پس از ناکامی مشروطه، با رویگردانی از نظریه مشروطیت، رفتاری انقلابی برگزید و با ارتجاعی دانستن اصل سلطنت، خواهان سرنگونی آن و استقرار حکومت اسلامی پیشنهادی امام خمینی یعنی «جمهوری اسلامی» مبتنی بر ولایت سیاسی فقیه شد. این نظریه که به ولایت سیاسی فقیهان شهرت دارد، ضمن رویگردانی از نظریه مشروطیت اسلامی، عملاً پای فقیهان را به بالاترین لایه های قدرت باز کرد و ناخواسته کلیه روحانیون را با امور حکومتی درگیر ساخت؛ زیرا این نظریه بر حاکمیت "اسلام شناس" در رأس امور، تمرکز یافته بود و اجرایی شدن آن، نیازمند استقرار فقیهی جامع شرایط در رأس قدرت و مساعدت روحانیون آگاه و متعهد در ارکان و قاعده هرم قدرت بود. از این دوره به بعد، روحانیت کارکرد جدیدی بر کارکردهای سنتی خود افزود و به تصدی گری امور سیاسی پرداخت. این امر می تواند بیش از گذشته، اعمال و رفتارهای مذهبی و حکومتی آنان را در معرض داوری دیگران قرار دهد. در واقع با ورود این نهاد به دهه چهارم انقلاب اسلامی، بررسی دوباره قدرت بسیج سیاسی روحانیت ضرورت می یابد. نتایج حاصل از این بررسی، می تواند ضمن بیان دلایل کاهش یا افزایش قدرت بسیج کنندگی روحانیت پس از انقلاب اسلامی، در صورت کاهش این قدرت، راهکارها و پیشنهادهایی _هرچند محدود_ برای قشر روحانی داشته باشد، تا نهاد روحانیت، با بازنگری در برخی مواضع و شناخت تهدیدها و فرصت های پیش روی خود در دوره جمهوری اسلامی، همچنان به عنوان مهمترین نهاد مدنی ایران، توان بسیج کنندگی توده ای خود را حفظ کند و بدان استمرار بخشد.

۱-۳-۱- ساختن مدل تحلیلی

۱-۳-۱- فرضیات تحقیق

فرضیه اول: موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نهاد روحانیت در فراز و نشیب قدرت بسیج سیاسی توده ای آن نقش مؤثری دارد.

فرضیه دوم: ابزارهای ارتباطی (ابزارهای ارتباطی روحانیت با مردم از جمله مساجد، زیارتگاههای مذهبی وانجمن های دینی و ابزارهای ارتباطی که علیه آنها مشغول فعالیتند مانند ماهواره و اینترنت) در فراز و نشیب قدرت بسیج سیاسی روحانیت نقش بسزایی دارند.

فرضیه سوم: گروه های مرجع جدید و رقیب در توانایی بسیج سیاسی نهاد روحانیت تأثیر گذارند.

۱-۳-۲- تعریف عملیاتی مفاهیم

۱-۳-۲-۱- نهاد روحانیت

روحانیت شیعه از منظر جامعه شناختی، به طبقه یا گروه رسمی مبلغ، مروج و مفسر مذهب تشیع که به صورت زنده و مداوم، نقش محول خود را در جامعه ایفا می کند، اطلاق می گردد. این نهاد، حفظ اسلام در همه ابعادش را وظیفه خود می داند و اسلام را دینی معرفی می کند که سیاستش در عبادتش و عبادتش در سیاستش مدغم می گردد و احکام اخلاقیش هم سیاسی می شود. روحانیت، قدرت را نیز در یک رابطه با معرفت دینی تعریف می کند. این قشر، در دستگاه سیاسی منفعل نبودند بلکه بر اساس اقتضائات زمان و مکان وارد دستگاه سیاست می شدند و برای ترویج دیانت و تشیع اسلامی، تحولی در آن ایجاد می کردند یا در صورت عدم اصلاح نظامهای سیاسی با آن ها علنا درگیر شده و مقابله می کردند. شایان ذکر است هرچند اصطلاح «روحانی» در مقابل «جسمانی» از غرب و در عصر مشروطه وارد فرهنگ ایران شده، اما بین این دو اصطلاح در اسلام و مسیحیت تفاوت بنیادین وجود دارد؛ در اسلام روحانیت، وظایف سیاسی و معنوی را توأمان بر

عهده دارد؛ اما در مسیحیت، محدود به قلمرو معنوی است. همچنین در فرهنگ سیاسی ایران، واژه «روحانی» با واژه‌های حوزوی، عمامه ای، آخوند، ملا، طلبه، مبلغ دینی، مرجع تقلید، امام جماعات، امام جمعه، شیخ، مدرس، عالم دین، فاضل، فقیه، راوی حدیث، آیت الله، حجت الاسلام، ثقة الاسلام و مانند آن مترادف است.

۱-۳-۲- قدرت بسیج سیاسی

بسیج سیاسی، روندی است که یک گروه یا حزب از طریق منابعی [قدرت] که در اختیار دارد، مردم را در راستای اهدافش - که ایدئولوژی آن گروه تعیین می نماید- ترغیب می کند. بدین ترتیب یک گروه هنگامی اقدام به بسیج سیاسی می نماید که کنترل جمعی بیشتری بر منابع مادی و هنجاری به دست آورد و این افزایش کنترل جمعی است که بسیج سیاسی را به وجود می آورد. همچنین منظور از قدرت بسیج سیاسی در پژوهش حاضر، توانایی گروه یا حزب جهت تأثیرگذاری بر مردم و ترغیب آن ها در راستای اهداف خود می باشد.

۱-۴- اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، بازخوانی یا به عبارت دیگر بررسی دوباره قدرت بسیج سیاسی روحانیت در سال های پس از انقلاب اسلامی ایران می باشد. اهداف جزئی و خاص نیز عبارتند از:

۱- بررسی مفهوم بسیج سیاسی؛

۲- بررسی رابطه موقعیت سیاسی - اقتصادی روحانیت با قدرت بسیج سیاسی آن؛

۳- بررسی نقش ابزارهای ارتباطی (ابزارهای ارتباطی روحانیت با مردم مانند مساجد، زیارتگاههای مذهبی وانجمن های دینی و ابزارهای ارتباطی که علیه روحانیت مشغول فعالیتند) در قدرت بسیج سیاسی روحانیت؛

۴- بررسی رابطه گروه های مرجع رقیب با قدرت بسیج سیاسی روحانیون .

برای تحقیق پیرامون یک موضوع، بررسی تحقیقاتی که دیگران انجام داده اند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این امر راهنما و راهگشای پژوهشگر است و او را قادر می سازد تا با دقت و اطمینان بیشتری به مطالعه موضوع مورد تحقیق بپردازد، چرا که می تواند از نقاط قوت کارهای صورت گرفته بهره برد و از نارسایی ها و نقص های احتمالی آن ها اجتناب ورزد و در پی جبران آن ها بر آید، همچنین از روش های موفقیت آمیز به کار گرفته شده استفاده نماید و از برخی از دوباره کاری های غیر ضروری بپرهیزد. در این قسمت به مرور کارهایی پرداخته می شود که دیگران در ارتباط با موضوعاتی نزدیک به موضوع این پایان نامه انجام داده اند.

آقای رضا سلامی، محور عمده پایان نامه خود را با عنوان "بررسی مقایسه ای نقش رهبران روحانی نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی" بر اساس مبانی ذیل استوار نموده است: مقایسه بیوگرافی رهبران روحانی مشروطیت با رهبری انقلاب اسلامی، شناخت صفات و ویژگی های فردی رهبران روحانی انقلاب مشروطیت و مقایسه آن با خصوصیات شخصی و ممتاز رهبری انقلاب اسلامی، مقایسه مبانی اعتقادی و ایدئولوژیکی هر یک از رهبران روحانی نهضت مشروطه با رهبری انقلاب اسلامی، بررسی کیفیت عملکرد هر یک از رهبران روحانی مشروطه و مقایسه آن با کیفیت عملکرد رهبری انقلاب اسلامی (سلامی، ۱۳۵۸).

همچنین آقای علی رضا هدایتی در پایان نامه خود، با عنوان "روحانیت در دوره قاجاریه (از تأسیس تا تحریم تنباکو)" با ذکر ریشه های تاریخی نهاد روحانیت شیعه و کلیاتی که اساس مناسبات این نهاد را با سیاست و حاکمیت وقت مرتبط می سازد، به بررسی وضعیت روحانیت در عهد قاجار پرداخته است (هدایتی، ۱۳۷۵).

یا پایان نامه ای تحت عنوان "نقش روحانیون در رهبری انقلاب مشروطه" از آقای اکبرعلی عسگر نجاد، با تقسیم بندی رهبران انقلاب ها به سه دسته: رهبران ایدئولوژیک، رهبران بسیج گر و رهبران زمامدار و مشخص کردن ویژگی های هر یک از این رهبران - با اذعان به این موضوع که زمامداری و رهبری سیاسی پس از انقلاب مشروطه در دست روحانیون نبوده است- به بررسی

اندیشه و فعالیت های سیاسی- اجتماعی روحانیون برجسته و فعال در انقلاب مشروطه پرداخته، در صدد اثبات این فرضیه است که نقش روحانیون در رهبری انقلاب مشروطه، نقش رهبری بسیج گر بوده و ایدئولوژی انقلاب مشروطه، توسط افراد غیر روحانی (روشنفکران) در میان مردم بویژه تحصیل کردگان ارائه و منتشر شده است (عسگرنجاد، ۱۳۷۷).

رساله دکتری آقای حسین حسینی با عنوان "رهبری و بسیج سیاسی (مورد انقلاب اسلامی ایران)" نیز با مطالعه موردی امام خمینی، در صدد پاسخ به این سؤال است که امام خمینی چگونه توانست مردم را در جریان انقلاب اسلامی سال های ۵۶ و ۵۷ بسیج کند؟ به عبارت دیگر، چرا مردم در جریان انقلاب اسلامی سال های ۵۶ و ۵۷ به امام خمینی، گروش یافتند و از او اطاعت کردند؟ وی بر طبق رهیافت رهبری کاریزمایی ماکس وبر، قدرت بسیج کنندگی امام خمینی را توضیح می دهد. مطابق این رهیافت، قدرت بسیج کنندگی امام (هر رهبر انقلابی مانند او) ناشی از نفوذ ایشان (برای مثال نفوذ پیامی) بر قلوب و اذهان مردم است. سپس آقای حسینی برای تبیین نحوه شکل گیری نفوذ یاد شده، نظریه همانندسازی اسطوره ای را به کار می گیرد که مطابق این نظریه، نفوذ رهبر بر توده های مردم، نتیجه همانندسازی او با برخی از اسطوره های فرهنگی و تجسم ارزش های آن ها در شخصیت، رفتار و پیام اوست. در نتیجه این همانند سازی، مردم، ارزش ها و عواطفی را که نسبت به آن اسطوره ها دارند، به رهبر معاصر نیز انتقال می دهند و به او به عنوان رهبر کاریزمایی ایمان می آورند (حسینی، ۱۳۷۷).

آقای مرتضی صفارهرندی، در پایان نامه خود با عنوان "مقایسه نقش بسیج گر روحانیت در جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ایران" به دنبال یافتن علل تفاوتی است که در نحوه بسیج گری روحانیت در نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ایران وجود داشته است. وی پس از بیان ایدئولوژی و نحوه سازماندهی روحانیت در این دو حرکت، چنین نتیجه می گیرد که توفیق بسیج گری روحانیت در انقلاب اسلامی به دلیل توانایی بیشتر آن در ارائه ایدئولوژی و نیز گستردگی سازمان روحانیت است. همچنین سازماندهی موفق مبارزات مردم توسط روحانیت در انقلاب اسلامی بیش از جنبش ملی شدن صنعت نفت بوده است (صفارهرندی، ۱۳۷۹).

آقای مرتضی علویان در پایان نامه خود با عنوان "نقش روحانیت در تحولات سیاسی معاصر ایران (انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی)" با تأکید بر بحران مشروعیت "به بررسی نقش روحانیت در شکل‌گیری انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می‌پردازد. وی پس از ارائه چارچوب نظری پژوهش خود بر اساس مکتب کارکردگرایی - ساختاری تلاش می‌کند ضمن اشاره به ویژگی‌های فرهنگی نظام سیاسی قاجار و پهلوی، نقش روحانیت به عنوان یکی از عوامل و کارگزاران جامعه پذیرسی سیاسی در سال‌های قبل از انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، فرهنگ سیاسی که آنان به دنبال آن بودند و ابزارهای ارتباطی آن نهاد با مردم را بررسی نماید. در نهایت وی نتیجه می‌گیرد تضاد فرهنگ سیاسی نهاد روحانیت با نظام حاکم منجر به بحران مشروعیت نظام و فراهم شدن زمینه‌های انقلاب می‌گردد (علویان، ۱۳۸۰).

کاظم سام دلیری در رساله دکتری خود، با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر نفوذ اجتماعی روحانیون در ایران" بر آن است تا عوامل مؤثر بر کاهش نفوذ اجتماعی روحانیون در ایران را تشریح نماید. وی ضمن بیان نظریه‌های مرتبط با «نفوذ اجتماعی» و ارائه مدلی از شکل‌گیری نفوذ اجتماعی، با استفاده از نظریه‌های نقش، انواع دین‌داری و محرومیت نسبی، عوامل مؤثر بر نفوذ اجتماعی روحانیت را مورد بررسی قرار داده است. وی در ادامه به چگونگی سنجش متغیر کاهش نفوذ اجتماعی در پنج بعد احترام، علاقه، جاذبه، اعتماد و تبعیت و در دوازده گروه روحانی به عنوان متغیر وابسته و اصلی اشاره کرده است. همچنین چگونگی سنجش متغیرهای مستقلی همانند حضور در حکومت، ایفای نقش‌های غیرخاص، مطلوبیت ویژگی‌های شخصیتی، عملکرد مطلوب، نوع دین‌داری و در انتها، متغیر نارضایتی از حکومت را توضیح داده است. سپس جهت پایایی گویه‌های تحقیق خود، روش تحقیق پیمایشی با ابزار پرسش‌نامه همراه با مصاحبه توسط پرسشگران آموزش‌دیده را بکار گرفته است. در نهایت وی نتیجه می‌گیرد ایفای نقش‌های حکومتی و همچنین نقش‌های غیرخاص توسط روحانیون (مانند روحانیون دانشگاهی، شاغل غیردولتی، روحانیون دولتمرد و روحانیون دولتی)، به همراه افزایش اعتقاد افراد به غیرمناسب بودن ایفای چنین نقش‌هایی برای روحانیون باعث کاهش نفوذ اجتماعی روحانیون می‌گردد. همچنین کاهش رضایت از حکومت موجب کاهش نفوذ اجتماعی روحانیون می‌شود. ویژگی‌های شخصیتی

روحانیون و افزایش مطلوبیت عملکرد روحانیون نزد مخاطبان نیز بر نفوذ اجتماعی آن‌ها تأثیر مثبت دارد. علاوه بر این، در انواع دین‌داری که ارتباط دین‌دار با روحانی به حداقل می‌رسد (به واسطه‌ی بی‌اعتقادی به برخی ابعاد دین، بی‌اعتقادی به موقعیت روحانی و یا وظایف روحانیت و یا بی‌نیازی به روحانیت)، کاهش نفوذ اجتماعی روحانیون دیده می‌شود (سام دلیری، ۱۳۸۹).

حامد الگار در کتاب "دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)" به شیوه‌ای تاریخی، بسط و سازمان‌دهی قدرت نقش آفرینی علمای تشیع در امورات سیاسی و اجتماعی دوره قاجاریه را بررسی می‌کند؛ وی در فصل اول کتاب به ذکر نگرش عالمان درباره قدرت، سیاست و حکومت‌های موجود پرداخته که در نظر وی بر دو پایه استوار است: ۱. وجوب مخالفت با حاکمیت؛ ۲. عدم تمایل به دخالت در امور سیاسی. وی تا پایان کتاب می‌کوشد جنبش‌ها و تحولاتی را که عالمان در جهت تقابل یا همکاری با دولت در آن نقش داشته‌اند، در قالب همین مدل نظری ارائه دهد. در فصل‌های دوم تا هفتم، به خاندان قاجار از زمان آقامحمدخان تا ناصرالدین شاه و نیز چگونگی رابطه عالمان با سلاطین قاجار پرداخته، واقعه قتل گریبایدف را سرآغاز برخورد آشکار بین حکومت و مردم می‌داند. الگار، دوره پادشاهی محمدشاه را آغاز معارضه و کشمکش مستقیم عالمان با حکومت بیان می‌کند. در فصل هشتم به دو فرقه بابیت و بهائیت می‌پردازد و مخالفت عالمان با این دو فرقه را نه از سر دینداری و دفاع از مذهب تشیع، بلکه فقط به سبب حفظ مقام و موقعیت خودشان ارزیابی می‌کند. در فصل‌های نهم تا یازدهم، در مورد اصلاحات در حکومت و اصلاح‌گرایان معروف به بحث می‌پردازد. از نظر الگار، این اصلاحات، گرچه تقویت دولت بود، برخلاف سلیقه عالمان بوده و زمینه سنتی مناسبات میان دولت و آنان را دستخوش آشفستگی می‌کرد. پس از آن که در فصل دوازدهم درباره مسأله تنباکو بحث می‌کند، در فصل بعد، به مخالفت عالمان با امین‌الدوله و امین‌السلطان می‌پردازد و در ادامه در فصل چهاردهم، به تحلیل مشروطه روی می‌آورد. او معتقد است: هیجان عمومی که به نهضت مشروطیت انجامید، حاصل یک قرن اختلاف و کشمکش میان دولت و علما بود (الگار، ۱۳۶۹).

فرهاد شیخ فرشی در کتاب "تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی" بر آن است تا نقش سیاسی روحانیون و عالمان شیعی را در پیدایش انقلاب اسلامی با

ساختاری گزارشی و تحلیلی بررسی و تبیین نماید. وی با اشاره به مباحث نظری روحانیت درباره حکومت، نقش تاریخی آنان را از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی می‌کاود و چگونگی تأثیرگذاری و پویایی روحانیت را در صحنه سیاسی ایران و مبارزه با حکومت پهلوی و استقرار نظام اسلامی به تصویر می‌کشد. مباحث کتاب از سه بخش تشکیل شده است. بخش یکم با عنوان "کلیات نظری و تاریخی" شامل دو فصل است: درآمدی بر مباحث نظری عالمان شیعی درباره حکومت معاصر ایران و درآمدی تاریخی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در تاریخ معاصر ایران (جنبش تنباکو، نهضت مشروطیت، واقعه مسجد گوهرشاد، نهضت ملی شدن صنعت نفت). بخش دوم "سیمای نظری نقش عالمان شیعی در پیدایش یک جنبش مذهبی در ایران (از مرداد ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷ ش)" نام گرفته و در آن دو مقوله انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی عالمان شیعی "و" "حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی عالمان شیعی تبیین شده است. بخش سوم با عنوان "سیمای تاریخی نقش عالمان شیعی در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی" نیز از سه فصل تشکیل شده که عبارت‌اند از: جایگاه عالمان شیعی در مجموعه مخالفین سیاسی رژیم پهلوی ۵۲- ۱۳۳۲ (جریان چپ، جریان ملی، جریان ملی - مذهبی)، ساز و کار و شیوه برخورد عالمان شیعی با حکومت پهلوی (۵۷- ۱۳۳۲) و نقش سیاسی علمای شیعی در براندازی حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷- ۱۳۳۲ ش) (شیخ فرشی، ۱۳۷۹).

فریدون اکبر زاده در کتاب "نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی نفت و انقلاب اسلامی" کوشش نموده است ضمن بررسی و مطالعه نقش و عملکرد رهبران سه رخداد بزرگ سیاسی و اجتماعی ایران در سده اخیر یعنی انقلاب مشروطیت ایران، جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی، هر یک از آنها را به گونه بررسی تطبیقی ارزیابی نماید. وی در فصل مقدماتی کتاب خود که رهیافتی نظری به موضوع است بخش‌هایی درباره انقلاب و نهضت، رهبری، نقش رهبری در مراحل مختلف نهضت یا انقلاب مطرح می‌نماید. در فصل اول نقش رهبری در نهضت مشروطیت را در قالب سه کارکرد بررسی می‌کند؛ کارکرد اول: ایدئولوگ (نظریه‌پردازی) و ارائه خط مشی فکری (شامل روشنفکران و روحانیون)؛ کارکرد دوم: بسیج کننده یا فرمانده انقلاب (سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، شیخ فضل‌الله نوری، علمای ایرانی مقیم عراق)؛ کارکرد